

<https://pecritique.com/>

# نظریه‌ی ارزش کار مارکس و استثمار غیرانسان‌ها: مورد صنعت گوشت

فقد اقتصاد سیاسی  
شهر نور ماه ۱۴۰۲

کامران نیری



در نظریه‌ی استثمار مارکس توجه به ارزش اضافی معطوف است که منشاء سود است و در فرایند تولید ایجاد می‌شود. ارزش محصول نهایی در یک گردش امر تولید توسط یک شرکت سرمایه‌داری با  $\lambda$  (لامبدا یا لاندای) مشخص و به این صورت تعریف می‌شود

$$M = C + V + S = \lambda = M^*$$

$M$  = سرمایه‌گذاری برای یک چرخه‌ی فرایند تولید

$C$  = ارزش سرمایه‌ی ثابت

$V$  = ارزش نیروی کار که به صورت دستمزد پرداخت می‌شود

$S$  = ارزش اضافی

$\lambda$  = ارزش محصول نهایی

$M^*$  = ارزش سرمایه‌ی پولی که با فروش کالا به دست می‌آید

یک شرکت سرمایه‌داری با سرمایه‌ی پولی  $M$  برای خرید وسایل تولید شروع به کار می‌کند. سرمایه‌ی ثابت بخشی از وسایل تولید است که ارزش کمی آن در فرایند تولید تغییر نمی‌کند، مانند مواد خام، مواد جنبی، و ابزار کار (مارکس ۱۸۶۷ فصل ۸).  $C$  ارزش اجزای گوناگون سرمایه‌ی ثابت است که در یک چرخه‌ی تولید ارزش میزان مصرف شده آن به محصول نهایی منتقل می‌شود. سرمایه‌ی متغیر  $V$  ارزش نیروی کار مصرف شده در یک چرخه‌ی تولید است یعنی «مجموع قابلیت‌های فکری و بدنی یک انسان که برای تولید ارزش مصرفی گوناگون به کار گرفته می‌شوند» (مارکس ۱۸۶۷، فصل ۶). بنا بر این منشاء سود سرمایه‌دار ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران در فرایند تولید است (برای بحث مفصل نک به شیخ ۱۹۹۰). دستمزد کارگران ترجمان پولی ارزش نیروی کار است، اما نه ارزش اضافه‌ای که کارگران افزون بر آن در فرایند تولید ایجاد می‌کنند. بنگاه سرمایه‌داری این ارزش اضافی را به هنگام فروش محصول نهایی اخذ می‌کند. به عبارت دیگر، کارگران بخشی از ساعات کار را برای تولید ارزش نیروی کار خود کار می‌کنند و مابقی ساعات کار را برای تولید ارزشی نو که در کالای

تولید شده مستتر است و در زمان فروش توسط سرمایه‌داران به‌عنوان سود سرمایه‌دار اخذ می‌شود. در نتیجه، سود  $p = M^* - M$  است.

ارزش نیروی کار ارزش وسایل گذران زندگی کارگران است و تأمین بازتولید طبقه‌ی کارگر. یک بخش عمده‌ی سبد مصرف کارگران غذاست. اگر سایر عوامل موثر را ثابت فرض کنیم، مکانیزه کردن تولید غذا منجر به کاهش ارزش نیروی کار می‌شود. صنعت مرغداری نمونه‌ای از مکانیزه و صنعتی کردن تولید غذاست. بنا به گزارش شورای ملی مرغ ایالات متحده که منافع سرمایه‌داران این رشته را حفظ می‌کند، مرغ آماده‌ی پخت که در سال ۱۹۳۰ پوندی ۶.۴۸ دلار بود امروزه هر پوند ۱.۵۷ دلار است [هر پوند معادل ۰.۴۵ کیلوگرم است]: «این امر تاحدی به‌خاطر روش علمی مرغداری است که زمان رشد مرغ تا سلاخی را نسبت به سال ۱۹۲۵ نصف و وزن آن را دو برابر کرده است» (کریستف ۱۲ مارس ۲۰۱۴). ژورنال علم ماکیان<sup>۱</sup> محاسبه کرده است که اگر انسان با همین نرخ رشد می‌کرد یک کودک دوماهه ۶۶۰ پوند وزن می‌داشت. از جمله شگردهای علمی برای سودآوری بیشتر استفاده از هرمون برای رشد سریع‌تر مرغ و آنتی‌بیوتیک برای جلوگیری از بیماری‌های مسری در بین آنان (برای شرح این وضع دهشتنک نک به گزارش فارم سنکتواری، مارس ۲۰۱۴A؛ در مورد گاو همان منبع ۲۰۱۴B؛ در مورد خوک ۲۰۱۴C؛ در مورد گوسفند و بز D ۲۰۱۴). برای درک بهتر ابعاد این جنایت علیه موجودی هوشیار یادآور شویم که فقط در یک سال ۲۰۱۱ بیش از ۵۸ میلیارد و ۱۱۰ میلیون مرغ توسط صنعت مرغداری در جهان سلاخی شدند (Heinrich Böll Foundation ۲۰۱۴).

ارزش سایر مواد غذایی در سبد مصرفی کارگران در ایالات متحده مانند ارزش مرغ کاهش یافته‌اند (Bureau of Labor Statistics ۱۹۷۰).

بنابراین می‌توان از نظریه‌ی ارزش کار کارل مارکس استفاده کرد و نشان داد که سودجویی سرمایه‌داری همچنین در گرو ستم و استثمار مرغان و سایر حیوانات است که به‌عنوان غذا به‌کار می‌روند. چرا که این امر به‌طور غیرمستقیم به ایجاد ارزش اضافی می‌انجامد و در نتیجه بر سود می‌افزاید.

این امر مسایل مهم زیر را مطرح می‌کند:

نخست، مارکس می‌دانست که منشاء ثروت از طبیعت است و کاملاً انتظار داشت که در فرایند توسعه‌ی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری باروری کار افزایش یابد و این امر زمینه‌ساز کاهش ارزش کالاها شود. او حتی در نقد نظریه‌ی مالتوس به گرایش تقلیل ارزش مواد خوارکی در سبد مصرف کارگران اشاره می‌کند. اما مارکس پی‌آمد این تحولات را برای نظریه‌ی استثمار خود دنبال نکرد. علت این امر، نحوه‌ی ساختمان نظریه‌ی تاریخ مارکس، ماتریالیسم تاریخی، و کاربرد آن در تحلیل شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری، نظریه‌ی ارزش کار است. همان‌طور که ارنست مندل (۱۹۹۰ ص ۱۱) یادآور می‌شود «نزد مارکس، کار [انسان] ارزش است. ارزش چیزی نیست جز بخشی از کل ظرفیت کار موجود در یک جامعه در زمانی معین (مثلاً یک سال یا یک ماه) برای تولید یک کالای معین با متوسط بارآوری کار اجتماعی موجود، تقسیم شده بر تعداد کالاهای تولیدشده که با میزان ساعات، روزها، هفته‌ها، یا ماه‌ها بیان می‌شود.» «بنابراین، ارزش اساساً یک مقوله‌ی نسبی اجتماعی، عینی و تاریخی است.» (همان‌جا ص ۱۲). در نتیجه طبیعت در این نظریه آگاهانه کنار گذاشته می‌شود تا توجه به روابط طبقات به‌ویژه رابطه‌ی کار و سرمایه معطوف شود. نظریه‌ی مارکس اساساً یک نظریه‌ی اجتماعی است (نیری ۲۰۲۱).

البته مارکس و انگلس در ایدئولوژی آلمانی تأکید می‌کنند که نگارش تاریخ جامعه‌ی انسانی را باید از زمینه‌ی طبیعی آن شروع کرد. اما آنان هرگز ماتریالیسم تاریخی را بر این اساس تدوین نکردند. به نظر من دلیل این امر این است که مارکس و انگلس از دانش لازم برای تدوین چنین نظریه‌ای برخوردار نبودند چراکه عمده‌ی این دانش در زمینه‌های باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و زیست‌شناسی از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد فراهم شده است (۱۳۹۹، ۲۰۲۱، ۲۰۱۶، ۲۰۱۵). عمده‌ی کار من از سال ۲۰۰۹، که اکنون به‌صورت یک کتاب در دسترس است (نیری ۲۰۲۳)، ارایه‌ی طرحی اولیه برای فایق آمدن بر این کمبود با تدوین نظریه‌ی سوسیالیسم زیست‌بوم محور است.

دوم، اگر غیرانسان‌ها در ایجاد ارزش اضافی سهمیم هستند، دیگر ممکن نیست تعیین کرد که چه مقدار آن ناشی از استثمار کارگران است و چه مقدار از استثمار

غیرانسان‌ها. در پیروی از مارکس، سوسیالیست‌ها و سوسیالیست‌های زیست‌بوم‌گرا که دلیل بحران‌های موجود را «سرمایه‌داری» می‌دانند همه‌ی ارزش اضافی را همیشه ناشی از صرفاً استثمار کارگران به‌شمار آورده‌اند و بر ستم و استثمار موجودات غیرانسان چشم بسته‌اند. آن‌ها به‌عمد یا به‌سهو انسان‌محوراند.

سوم، در نظریه‌های اقتصاد سیاسی از جمله نظریه‌ی ارزش کار مارکس ارزش ذاتی موجودات کنار گذارده شده‌اند چرا که حوزه‌ی مورد نظر آنان اقتصاد است نه فلسفه و اخلاق. ارزش ذاتی برعکس مقوله‌ای فلسفی و اخلاقی است.

چهارم، نظریه‌ی ارزش مارکس مقوله‌ای تاریخی است، هم آن‌طور که مارکس و هم برخی از نظریه‌پردازان پیرو او چون رزا لوکزامبورگ و ارنستو چه‌گوارا تأکید کرده‌اند سوسیالیسم بدون محو تدریجی قانون ارزش (بازار سرمایه‌داری) و جایگزینی آن با آگاهی سوسیالیستی و برنامه‌ریزی دموکراتیک اقتصاد ممکن نیست.

سوسیالیسم زیست‌بوم محور در این افق نظری شریک است با این تفاوت که بر ارزش ذاتی همه‌ی موجودات پا می‌فشارد و مخالف پولی‌کردن و کالایی‌کردن طبیعت به‌ویژه موجودات زنده‌ی آن است.

## منابع

Bureau of Labor Statistics. Historical Statistics of the United States, Colonial Times to ۱۹۷۰. Bicentennial Edition, Part ۲. ۲۰۱۱; ۲۰۱۵ .

Heinrich Böll Foundation. Meat Atlas: Facts and Figures About Animals We Eat. ۲۰۱۴.

Kristof, Nicholas. "Industrial Farming and Your Diet." The New York Times, March ۱۲, ۲۰۱۴ .

Mandel, Ernest. "Karl Marx." In The New Palgrave Marxian Economics. Eds. John Eatwell, Murray Milgate, Peter Newman. ۱۹۹۰ .

Marx, Karl. Capital: A Critique of Political Economy, Volume ۱, translated by Ben Fowkes, Vintage, ۱۸۶۷/۱۹۷۷.

Nayeri, Kamran. "[On Michael Löwy Ecosocialism](#)." Our Place in the World: A Journal of Ecosocialism. June ۶, ۲۰۱۵.

----- "[On Jason W. Moore's 'Capitalism in the Web of Life'](#)." Our Place in the World: A Journal of Ecosocialism. July ۱۸, ۲۰۱۶.

----- *Whose Planet: Essays on Ecocentric Socialism*. ۲۰۲۳.

Shaikh, Anwar. "Surplus Value." John Eatwell, Murry Milgate, and Peter Newman (Ed's.), The New Palgrave Marxian Economics. ۱۹۹۰.

نیری، کامران، «همه گیری ویروس کرونا به مثابه بحران تمدن» نقد، خرداد ۱۳۹۹  
«چرا سوسیالیسم زیست بوم محور» نقد اقتصاد سیاسی، ۱۲۱ اکتبر ۲۰۲۱